



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

پیام نروزی * * * * *
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

نشریه کار ۱۵ ساله شد

چهارده سال از هنگامیکه نخستین شماره نشریه کار در ۱۹ اسفندماه ۱۳۵۷ منتشر گردید گذشت و اکنون دویست و شصت و دومین شماره نشریه را در آغاز پانزدهمین سال انتشار نشریه منتشر میکنیم. نشریه کار در زمره معدود نشریات انقلابی است که برغم تمام افت و خیزهای جنبش و مراحل تا با امروز از سرگذرانده است، حیات مستمر خویش را حفظ نموده و در هر مقطعی بنا به نقشی که سازمان در جنبش کارگری و کمونیستی ایران ایفا نموده تا شیر لازمه خود را بر جای گذارده و به وظایف انقلابی خویش عمل نموده است.

انتشار نشریه کار از همان آغاز محصول یک ضرورت و نیاز جنبش بود. از همان فردای قیام مسلحانه توده های مردم و سرنگونی رژیم شاه در ۲۲

جلاد! مرگت باد!

اسدالله لاجوردی رئیس سازمان زندانیان نهایی جمهوری اسلامی، معروف به قصاب ویسن، در گفتگویی با خبرنگار روزنامه رسالت ادعای غریبی را عنوان نمود مبنی بر اینکه در زندانیان نهایی جمهوری اسلامی هیچگونه شکنجه ای وجود ندارد. در این گفتگو، لاجوردی تلاش زیادی بکار برد تا ثابت نماید که رفتار جمهوری اسلامی با زندانیان، برپایه یافت و احترام به آنان قرار دارد. وی ادعا کرد که در زندانیان نهایی ایران حتی "زیرخوردگی غیر محترمانه" هم

یادداشت های سیاسی

☆ رفسنجانی خواستار تعدیل سیاست آمریکا است

☆ توهم پراگندگی بین المللی و ماهیت سیاست های کلینتون

بخشیدن به استشاری برحمانه کودکان و وضع قوانینی علیه اشتغال آنها، تقلیل ساعات کار، افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار شدند. از سال ۱۹۱۰ که بنا به پیشنهاد دکلار از تکین از رهبران برجسته جنبش کارگری دومین کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست روز ۸ مارس را روز جهانی زن اعلام نمود و یکسال بعد در کنگره انترناسیونال دوم مورد تأیید قرار گرفت، همه ساله در این روز میلیونها زن کارگر و زحمتکش در سراسر جهان ضمن بزرگداشت این روز با دیگر عزم و اراده خود را به تداوم مبارزه برای رفع تبعیضات و دستمزد گانه ای که در نظام

بودجه سال ۷۲ و

و خامت مطلق وضعیت کارگران و زحمتکشان

لایحه بودجه ۵۴ هزار میلیارد ریالی سال ۷۲ پس از یک بحث کوتاه یک هفته ای در ۱۱ بهمن ماه از تصویب نهایی مجلس گذشت. در بودجه سال آینده بودجه عمومی دولت از حیث درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار ۲۵ هزار میلیارد ریالی برآورده شده است که به نرخ جاری در مقایسه با سال ۱۷۱ از افزایشی معادل ۱۰۰٪ برخوردار است. از مبلغ فوق الذکر حدود ۱۷ هزار میلیارد ریالی از طریق درآمدها و فروش نفت و گاز یعنی ۶۷٪ در صد کل درآمدها، درآمدهای مالیاتی ۵۴۱۹٪/۷ میلیارد ریالی معادل ۲۳ درصد سایر درآمدها ۲۳۳۰٪/۵ میلیارد ریالی معادل ۹٪ در صد تا مین میگردد. اگر به نسبت درآمدهای فوق در بودجه سال جاری نظریا فکینیم خواهیم دید این نسبتها در سال ۷۱ ترتیب ۵۲٪/۹ درصد، ۲۵٪/۸ در صد و ۱۱٪/۳ در صد بوده اند و این بدان معناست که در ترکیب درآمدهای بودجه عمومی

با ایمان به پیروزی راهمان!

۸ مارس و

مبارزه زنان برای رهایی

۸ مارس روز جهانی زن، روز همستگاری بین المللی زنان کارگر و زحمتکش سراسر جهان است. اما ۸ مارس و بزرگداشت مبارزه زنان زحمتکش برای رهایی از یوغ ستم و پادآوری و بزرگداشت مبارزه قهرمانانه هزاران زن کارگر صنایع نساجی آمریکا است که در ۸ مارس ۱۹۰۸ در خیابانهای نیویورک دست به تظاهرات زدند و خواستار پایان بخشیدن بد تبعیض میان زن و مرد در عرصه کار اجتماعی پایان

مسئول اینهمه فجایع و کشتار کیست؟

مصائبی که مردم ایران با آنها روبرو هستند به اینها آنمورد در زمینه های اقتصادی - اجتماعی سیاسی ختم نمیشود، در تمام دوران ماستاری جمهوری اسلامی، سراسر زندگی روزمره توده های مردم توأم با انواع مصائب و بدبختیها بوده است. طی این دوران همه ساله هزاران تن از مردم ایران به عللی غیر طبیعی و در نتیجه سیاستهای ارتجاعی حکومت جان باختند.

نیازی به گفتن نیست که چگونه در ایران هر روز هزاران تن از مردم زحمتکش در نتیجه فقر و فلاکت موجود، اعتیاد و فقدان یک سیستم تأمین اجتماعی جان میسپارند بدون اینکه ظاهرا کسی متوجه آن شود و یا در مطبوعات منعکس گردد. از این نمونه که جزو لاینفک زندگی روزمره مردم شده است بگذریم، هنوز کسی فراموش نکرده است که در نتیجه یک جنگ ارتجاعی که چندسال بطول نجا میدمدها هزار تن از

سه تصویر، یک چشم انداز: باید زنده بمانیم!

از میان نشریات
ملاحظاتی بر گزارش سیاسی کمیته مرکزی شورای عالی

نشریه کار ۱۵ ساله شد

بهمن ماه ۱۳۵۷، با توجه به نقشی که سازمان در جنبش کسب کرده بود وظایف مشخصی که پیش از آن قرار داشت، انتشار هر چه قوی تر یک نشریه به عنوان ارگان سازمان را در دستور کار قرار گرفت. هر آن مقطع توان و تجربه سازمان در این زمینه بسیار محدود بود. برجسته ترین مورخین ما و نویسندگان سازمان مانند لطفعلی احمدزاده، بیویان، جزئی و مومنی که میتوانستند عهد و تاریخ و وظیفه سنگینی با شند در مبارزه با جان پخته بودند و سرکوب و اختناق و اشتباهات سازمان را مکرر پرورش کادرهای جدیدی که بتواتر نمیتواند در چنین وظیفه ای گردند، از سازمان سلب کرده بود. با این همه شرایط جنبش و نقش سازمان، انتشار ارگان را به امری ضروری و مبرم تبدیل کرده بود. بهر حال یک نشریه میبایست بی عنوان ارگان سازمان منتشر شود. بنابراین انتشار نشریه طی چند روز انجام گرفت و نخستین شماره ارگان سازمان با نام «کار» نیز ۱۹ اسفند ۵۷ منتشر گردید.

در سرمقاله نخستین شماره کار که به توضیح خط مشی، وظایف و اهداف ارگان اختصاص یافته بود، وظیفه و هدف از انتشار نشریه، منطبق بر ایدئولوژی و اهداف سازمان، تلاش برای آگاه نمودن و سازماندهی کارگران اعلام شده بود. در همین سرمقاله با اشاره به نقشی که کارگران در سرنگونی رژیم شاه ایفا نمودند، بودند به صراحت علیه هرگونه توهمی نسبت به هیئت حاکمه جدید هشدار داده شده بود و کارگران را به تشدید مبارزه فراخواند. سرمقاله چنین نتیجه میگرفت: "با وجود اینکه طبقه کارگر غمناک مبارزه نقش مهمی ایفا کرد، اما نمیتوانست آن نقش واقعی را که شایسته طبقه کارگر بود ایفا کند. علت آنرا هم با دیدن نقاط ضعف جنبش کارگری ایران جستجو کرد. جنبش کارگری ما هنوز نقطه ضعف بسیاری دارد که از آن جمله میتوان به مسئله عدم تشکلی و سطح نسبتاً پایین آگاهی کارگران اشاره کرد" و برای مبنای بر مشکل نمودن و آگاه کردن کارگران تاکید نمود. بنابراین از همان آغاز جهت گیری نشریه کار در مخالفت و مبارزه با هیئت حاکمه ای که در پی سرنگونی رژیم شاه بقدرت رسیده بود، فاش و نظام موجود و فراخواندن کارکنان و زحمتکشان به مبارزه علیه این نظام، در یک کلام، دفاع از منافع کارگران و تلاش برای سازماندهی و آگاهی آنها که تلازم نشریه بود. نقشی که نشریه کار بویژه در آغاز انقلاب ایفا نمود، سرکوب شده بود. کارگران و زحمتکشان روزی که در نظر انقلابی کسب کار را در پیش داشتند، اخبار و گزارشات کارگری را از روزنامهها و نشریات رسمی و غیررسمی میخواندند.

مؤسسه در همون دوران از طریق نشریه دریافت میکردند. کارگران را چنانچه با عملیات بر سر آنها میگردیدند و با شکارها و دیگر مومنان دستگیر میشدند و هرگز از زندان نجات پیدا نمیکنند. این امر را بهر عهده دادند. چیزی نگذشت که کارگران با یکدیگر و با همسران و فرزندان خود در میان گرفتار شدند. همین وضعیت خودروشنگر نقشی است که نشریه کار در پیگیری و آگاهی کارگران و زحمتکشان و کمک به امر سازماندهی آنها ایفا نمود.

برغم نقش برجسته ای که نشریه کار بعنوان ارگان سازمان در بیداری و آگاهی توده های زحمتکش و پرورش نسلی از انقلابیون کمونیست ایفا نمود، این نشریه البته نمیتوانست از نقاط ضعفی که محصول جنبش ما در آن مرحله از حیات خود بود، محذو بود و نتوان جنبش کمونیستی و سازمان، تلاطمات، نوسانات و چرخش هایی که انعکاس تشدید تضادها و مبارزات اجتماعی و طبقاتی در سازمان بودند، برکنار میماند. اینها کاستی های نشریه کار بر مراحلی اولیه انتشار آن کم نبود، و معنادار مجموعه از یک خط کارگری مارکسیستی - لنینیستی پیروی میکرد و از آنجا نیکه بیانگر اما لوازش های کارگران و زحمتکشان و بلندگو و مدافع منافع آنها بود. بجایگاه خود را در میان توده ها داشت و سخنگوی آنها محسوب میشد.

تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه و تعرض ارتجاع، آرام آرام به گرایش به سازمانها شکل میداد که با اهداف سازمان و خط مشی و مواضع رسماً اعلام شده نشریه مخالفت میورزید. این گرایش که مواضع نشریه در کمیته مرکزی سازمان را تحکیم کرده بود و سایر اعضای سازمان را متاثر از آنجا میگرداند، سازمان را به گرایش مارکسیستی افکارشود. هیئت تحریریه نشریه کار که وابسته به گرایش مارکسیست - لنینیست سازمان بودند که بغداد در جریان نشعاب بعنوان "اقلیت" شناخته شدند تنها حاضر به هیچ گونه گذشتگی از مواضع و اصول انقلابی سازمان نبودند، بلکه در پیرویی گرایش اپورتونیست و مواضع آن قرار گرفتند. لذا یک کمیته در سازمان میان کمیته مرکزی و تحریریه نشریه کار آقا گردید.

جناح فرصت طلب کمیته مرکزی که بشدت از مواضع نشریه کار و هیئت تحریریه آن ناراضد بود، ابتدا کوشید تحت پوشش کمک به تقویت کادرهای نویسنده نشریه تعهدی از همفکران خود را بعهده عضویت تحریریه در آورد. اما در این زمینه چندین توفیقی نیافت، چرا که هیئت اصلی و متمرکز تحریریه همچنان نقش اصلی خود را حفظ کرده بود. اپورتونیستهای کمیته مرکزی که از این طریق نتوانستند بوند به اهداف خود دست یابند، به شیوه های

فرصت طلبانه و توطئه گرانه برای کنار زدن جناح انقلابی سازمان از هیئت تحریریه کار متوسل شدند. چنین عنوان شد که برخی از رفقا باید وظیفه سنگین تهیه و با هم و خط مشی سازمان را بر عهده بگیرند و برای اینکه وقت و فرصت کافی داشته باشند، ضرور نیست که وظایف خود را در تحریریه نشریه کار بعهده رفقای دیگر واگذار نمایند. این در واقع یک شیوه فرصت طلبانه برای تصفیه جناح انقلابی سازمان از تحریریه بود. در همان حال کمیته مرکزی پلنومی را عمدتاً از میان خط فداران خود سرهم بندی کرد که هدف آن تصفیه بیشتر قرار دادن و تصفیه تحریریه نشریه کار و اصلاح انقلابی سازمان بود. در پی این پلنوم و به بهانه تجدید سازماندهی، یک هیئت تحریریه جدید سازماندهی شد که اکثریت قابل توجه آنرا نیروهای وابسته به جناح فرصت طلب که به تشکیل میدادند. لذا تعدادی از رفقای هیئت تحریریه سابق که هنوز در این بخش سازماندهی شده بودند، قادر به ادامه فعالیت نبودند و از وظیفه در تحریریه استعفا دادند. از این زمان تا نشعاب سال ۵۹ است که مواضع اپورتونیستی در نشریه کار حاکم میگردد. نشریه ای که در اولیسن شماره خطاب به کارگران و زحمتکشان اعلام کرده بود که برغم سرنگونی رژیم سلطنتی شاه، قدرت همچنان در دست سرمایه داران قرار دارد و از زبان یک کارگر شعار انقلابی دیگر را بر داده بود، اکنون پس از سلطه جناح اپورتونیست به تقدیس و تمجید از هیئت حاکمه و اقدامات آن میپردازد و حکومتی سرپا ارتجاعی را انقلابی معرفی میکند. اما این دوره، نتوانست چند ماهی بیشتر دوام آورد. با انشعاب در سازمان و حرکت مستقل جناح انقلابی مارکسیست - لنینیست سازمان (اقلیت) نشریه کار برادر دیگر توسط همان هیئت تحریریه سابق و همان خط مشی انقلابی انتشار یافت. از این پس دو نشریه کار در سطح جنبش منتشر گردید. نشریه کار "اکثریت" بعنوان ارگان جناح اپورتونیست و رفقایست با وظیفه تبلیغ سازش و همکاری طبقه کار و نشریه کار "اقلیت" ارگان جناح مارکسیست - لنینیست سازمان و مبلغ انقلابیست. این هر دو نشریه تا با مرور به عنوان دو نشریه ای که حاصل دو خط مشی اساساً مختلف و متضاد منتشر میگردد. البته در گذشته برخی چوبها با یکدیگر در مقایسه در مقوف سازمان فعالیت میکردند و سپس حرکت مستقلی را سازمان دادند، کوشیدند که آنها هم نشریه ای با نام کار منتشر کنند و همواره هم هستند و همانی که هر چنداً لیکن در نشریه ای معاد کار منتشر میکنند. اما چنین نشریه ای هرگز نتوانست به اندازه کارهای جنبش برای جوانان گسترده دست آنها را بالا بردن

زننده باد استقلال طبقاتی کارگران

نداشته است. این نیز بر شدت فشارهای مادی و اقتصادی به توده مردم خواهد افزود. راه چاره دیگری جز تشدید اعتراض و مبارزه در قبال این وضع نیست. البته تردیدی نیست که رژیم هم برای حفظ موجودیت خود از هیچ جناحی فروگذار نمیکند و بیش از پیش سرنیزه را در دستور کار قرار میدهد و بر شدت سرکوب و اختناق میافزاید. اما بقول معروف بالاتر از سیاه رنگی نیست. دامنشی رژیم نمیتواند در مبارزه ما خللی ایجاد کند. راه دیگری جز تشدید مبارزه در برابر ما قرار نگرفته است.

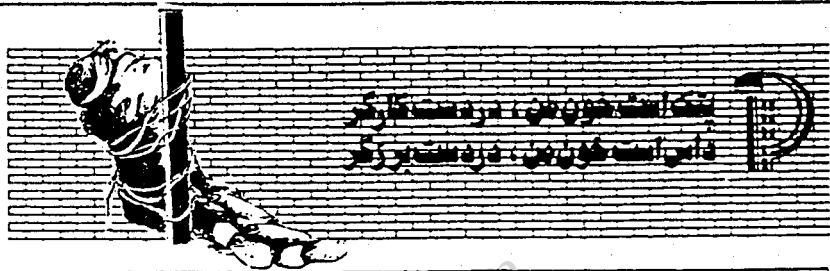
مردم زحمتکش و مستعدیده ایران!

تجربه تمام دوران مآثر جمهوری اسلامی و چشم انداز وخامت اوضاع در سال آینده، همگی نشان میدهند که با وجود جمهوری اسلامی جز تشدید فقر، بدبختی، استثماری، حقوقی و سرکوب عاید نخواهد شد. برای نجات از فلاکت و بدبختی موجود، برای نجات از شر تمام مصلحت جتانی که این رژیم بسیار آورده است، راهی جز سرنگونی حکومت و بدست گرفتن قدرت وجود ندارد. مبارزه خود را برای سرنگونی حکومت تشدید کنید! با ایمان به قطعیت پیروزی کارگران و زحمتکشان برستمگران، با این امیدوارز که توده های زحمتکش مردم بتوانند عید را در شرایط آزادی و دمکراسی، رفاه و عدالت اجتماعی برگزار کنند. فرارسیدن بهار و سال نو را به مردم زحمتکش ایران تبریک میگوئیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)
اسفندماه یکهزار و سیصد و هفتاد و یک



رفیق خیرالله حسنون

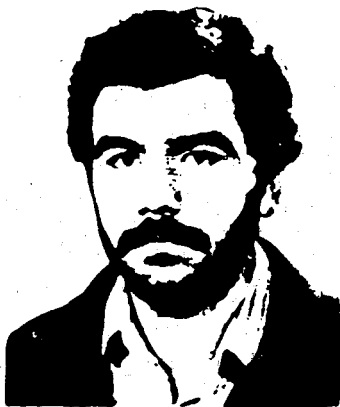


در میان صدها تن از رفقای سازمان ما که بخاطر مبارزه در راه اهداف و آرمانهای سوسیالیستی طبقه کارگر بدست دشمنان رژیم جمهوری اسلامی بشهادت رسیدند بسیار رندرفقائی که اسامی آنها در لیست شهدای سازمان نیامده است. اسامی تعدادی از این رفقا که امسال بدست سازمان رسیده است بشرح زیر اعلام میگردد:

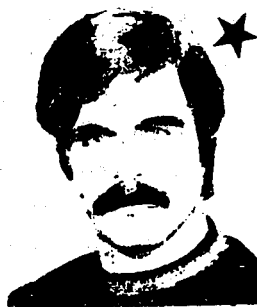
اسامی رفقا	تاریخ دستگیری	تاریخ شهادت
۱- کمال بهمنی	فروردین ماه ۶۱	۶۱/۶/۳
۲- حبیب الله سالیانی	مرداد ۶۰	شهریور ماه ۶۷
۳- فریدون یزدانیان	شهریور ۶۰	سال ۶۰
۴- علی حسینزاده	اواخر سال ۶۰	مرداد ۶۷
۵- مهرداد چمنی	دوم فروردین ۶۱	پنجم فروردین ماه ۶۱

یادشان گرامی باد!

* در ضمن لازم به توضیح است که در لیست شهدای سازمان که سال گذشته منتشر گردید، نام رفیق عبدالرضا داسار، عبدالرضا را چاپ شده بود که بدینوسیله تصحیح میگردد.



رفیق کیوان مصطفوی



رفیق ابوالفضل قزلایاق

گرامی باد
یاد شهدای گمنام
سازمان

خلق، بدستحقا تسلط گردید. کارگر به حیس و زندان اعتقادند بشکجه و اعدام شدند و یا درگیری با مزدوران سرمانند. بسواخت رسیدند ویرغم آنکه انبوهی از رفیقان ما در راستای تحقق اهداف طبقاتی و تاریخی طبقه کارگر به خاک افتادند، اما پرهم مبارزه پرهمین محاسدا، اگر در آغاز راه رخسند ستاره ای چون رفیق علی اکبر صفائی، فرها نسی و دیگر همزمان با حمله مستعدانه به پاسگاه زندان مرزی سیا هکل عملا با نظام مزدوری و ارجمنگ شدند، در ادامه این راه توسط گزبان دیگری از همین تبار پی گرفته شد. دلاوران دیگری نظیر بهروز هقانی نابدل، هوشنگ تبه گل، اسکندر ساداتی، نریمان میر پرویز بیویان، مسعود احمدزاده، سیرین جزینی، حمید اشرف، قاسم سیا دتروده ها و مدها فدائی، دیگر به پیشوا زمان مبارزه شناخته و بر همان راه جان خویش را فدا کردند. پرهم سلطنتی سرنگون شد، اما رژیم ارتجاعی دیگری از همان همان محل پش نشست. اینبار نیز گردان دیگری از قهرمانان خلق، در کارخانه ها و وزارت و وزارت باغی گسترده، در جهت متحقق ساختن همان اهداف عالی و انسانی تداوم بخش مبارزات انقلابی گشتند. توماج اسلطان پور جها نگیر قلعه میان دو آب، مدتی شاه جی، سیا مک اسدیان، منصور اسکندری، نظام، کاظم، احمد غلامیان، لنگرودی، اشرف، نسترن، منیژه طالبی و دهها و صد ها فدائی دیگر در آسمان جنبش انقلابی ایران پر فروغ درخشیدند و پرهم مبارزه را بر دوش کشیدند. رفیقان ما، فدائیان خلق، مرگ، سخر آگاه ها به پذیرفتند، همچون دیگر کمونیستها بیان بودی ستم و استثمار مبارزه نمودند و ما نشان را وثیقه آرمانهای والای کمونیستی گرداندا تا نوید بخش پیروزی کارگران باشند. در آستانه ۲۵ اسفند روز شهادت مبارزان، ضمن گرامیداشت خاطر ضرور، انگیزه هم رفقای خانباخته، یکبار دیگر با آنها پیمان میبایم که تا تحقق کامل آرمانهای شریف و انسانی نشان، تا نابودی ستم و استثمار، راهشان را ادامه دهیم. با ایمان به پیروزی راهمان!

با ایمان به پیروزی راهمان!

مکده از برای تنسیب انجمن پیکار
تا بر اندازم هر سبب همراستما
تقسیم نسیب بر این سببند از
تا نوین دنیا نسی بریا سببم
من چریک فدائی خلقم
جان چون من هزاران فدای خلق

کارگران و زحمتکشان را رها نکرد. آنان که بسط پیروزی کارگران اعتقادی را سخدا شدند، جز راه پرولتاریا و جز مبارزه برای پیروزی آیین طبقه راه دیگری همیشه نداشتند. آنگاه در پیشگاه پرچم سرخ کارگران سوگند خوردند، چونکه در این راه از حسی گذشته اند، و برگ برگ تاریخچه مبارزات خونین سازمان فدائیان نیست، و دوسال که مشحون از ایثار و قهرمانی است، نشانی از همین هیت است. در همان حال که آبی شمری سرکوب و دمنشی، شکجه و کشتار شیخوشاه، دربرای ایمان استوار و خلسه نا پذیر فدائیان خلق، دربرای برعزم و ارادمراسخشان به نابودی سرمایه داری و ایجاد دوسولیسیم نیو حکایت میکند.

رفیقان ما که آرمانهای کمونیستی در سر داشتند، آنان که عشقی آتشین به کارگران و زحمتکشان و نرفتی عمیق نسبت به سرمایه داران و مرتجعین در دل داشتند، در این سالهای سخت و سیاه از همه آزمونها سر فراز بیرون آمدند، با سری افزاشته تا پای مرگ ایستادند و بر سر برداشتن تسلیم نشدند، چنین بوده است که در آن سالها فدائیان خلق، و با اسطی از این سرشته، آگاه، ایثارگر و تسلیم نا پذیر ما آیین فدائی خلق یا این کمونیست، چه میتوانست بکنند دشمن زبون و خوار؟ چه کندها دل چون آتش ما آتش تیر؟ و این چنین بوده است که طی بیست و دوسال، صدها و هزارها فدائی

۲۵ اسفند روز شهادت سازمان است، روز تجدید میثاق با رفیقان است که نرمان با مسئله ای نوین و انسانی جامعه ای تاریخی و ستم و استثمار مسمانه مبارزه کردند، بر این راه صعب و طولانی، خستگی نشناختند و با ایمان قرض و محکم به پیروزی پرولتاریا سرانجام در همین راه جان باختند.

۲۵ اسفند روز سرگداشت و تعطیل از رفیقان است که در شرایط سلطه ارتجاع و سرکوب حش، دو نظام سلطنتی و جمهوری اسلامی با قهرمانی و از خود گذشتگی علیه استثمارگران و مرتجعین جنگیدند، در برابر سخت ترین شکنجه های جسمی و روحی، استوار و محکم ایستادند و سوره های قرآنی از استواری کمونیستی و انستی ما پیروی در برابر دشمن طبقاتی بر جای توانند. همزمان مسا، قهرمانان و فدائیان خلق بمباران پخش آگاه و پیشرو طبقه کارگر در راستای مظهر پرهم مبارزه سنا هرگونه استبداد و استثمار و قهر و ستم را بری اجتناب بودند و سنا بره شما غانه و پیگیرانه ای را علیه سرمایه داران و ملکان بود برای برافکنش نظام سرمایه داری به پیش بردند. آنان مدها همین راستین دمکراسی و سولیسیم بودند و برای تحقق یس آرمانها برای پیروزی طبقه کارگر پرورژوازی، یک لحظه از این رزم سرنگ طبقاتی غافل نمادند.

بیش از بیست و دوسال از پراخروختن مشعل مبارزه انقلابی توسط پیشگامان و بنیان گذاران سازمان ما در جنگ های سنا هکل میگذرد. شعله ای که آنزمان در سنا هکل زبانه کشید، سستی همه سرمایه داران و مرتجعین را به خوف و هراس انداخت. مدها همین نظام سرمایه دامنشی هرچه بیشتر به این قدام حاسی و انقلابی پاسخ گفتند و گروهی از رشیدترین فرزندان خلق در رفیقان رزمنده ما را به شهادت رسانند. ما این خیال خام که جلوس این مبارزات را مسدود نکنند و چه سنا خاتمه کار فدائیان خلق و بزمان زمانه ااران وقت "خراکد ران" را نیز عنوان نمودند. مدها نشانی فدایا الحسان مختلفا ما با همین مضمون بطریق این سالها نیز تکرار شده است. اما مبارزه فدائیان خلق را کسی نتوانست متوقف سازد. آتشی که در سنا هکل روشن گشته بود، مدها موشی نداشته و سزونی اخگرهایش در سرتا سوا ایران پرگنیده شد. مبارزه تداوم یافت. درمبارام فدائیسی خلق مبارزه علیه ستم و استثمار و قهر و ستم بود.

رفقای ما گفته بودند که فدائی خلق نیستند، فدائی انسان زحمتکش نبودند، راه برافکنش نظم طبقاتی سرمایه داری دربرای ما کارگران و زحمتکشان با مرگ و کشتن نیست بود، عمل، سوزن سرخ رفیقان که مرز به و کارخانه را رنگین ساخت و با خون کارگران و زحمتکشان درهم آمیخت، بر این گفتار صحه گذاشت. علی رغم آنکه در این پیکار، گوهی از ادامه مبارزه با زمانه و خاندان اکثریت به خلق پشت نمودند، اقلیت همچنان به آرمانهای کمونیستی فدائیان پایبند ماند و هیچگاه جانب



رفیق شیرین فضیلت کلام



رفیق مهدی فضیلت کلام

رفیق انیسسه فضیلت کلام

**پاسخ به
سؤالات**

در نشریه کاراران سازمان ساختا نمیگردد، ثانیاً. همانگونه که مکرر در نشریه کار توضیح داده شده، سازمان نه اعتقادی به مجلس موسسان دارد و نه شعرا را مطرح مینماید، بلکه همانگونه که در برنامه سازمان آمده است و شعرا را در نشریه کار نیز مطرح میگرد، سازمان به جمهوری دمکراتیک خلق و حکومت شورائی اعتقاد دارد. دلائل این مسئله که چرا طرح شعرا در مجلس موسسان غلط و پورتونیستی است تاکنون به دفعات در نشریه کار مطرح شده و برای توضیح بیشتر مسئله بهتر است به مقالاتی که در این مورد دیروز در قبال مواضع راه کارگرنوشته شده رجوع شود. اما در اینجا مختصراً اشاره میکنیم ما برای این اعتقادیم که همانگونه که ما رکنس مطرح میکند، امروزه شرط پیروزی هر انقلاب خلقی واقعی در هم شکستن ماشین دولتی بورژوازی است. انقلاب خلقی یسا انقلاب توده ای ایران نیز نمیتواند از این امر برکنار باشد. اگر قرار است در ایران از طریق یک انقلاب توده ای حکومت انقلابی - دمکراتیک مستقر گردد. اگر قرار است این انقلاب خواستهای توده وسیع مردم را متحقق سازد و پیروزی برسد، این امر نه از طریق حفظ ماشین دولتی بورژوازی و استقرار جمهوری پارلمانی بلکه از طریق درهم شکستن این ماشین و اعمال حاکمیت مستقیم توده ای از طریق شوراها و تسلیح عمومی خلق امکان پذیر است. این یعنی بنای دولتی از طراز نوین که بر تارک آن کنگره شوراها نمایندگان کارگران، دهقانان و سربازان قرار دارد. بنا بر این ما که به حکومت شورائی اعتقاد داریم نمیتوانیم در همان حال به طرح شعرا در مجلس موسسان بپردازیم که بر تارک پارلمانتاریسم بورژوازی قرار دارد. یسا حکومت شورائی و کنگره شوراها نمایندگان کما این شعرا طبقه کارگر و توده های زحمتکش است، یا شعرا پارلمانتاریسم و جمهوری پارلمانتاریسم موسسان که در ایران شعرا بخشهایی از بورژوازی یعنی بورژوازی با صلاخ لیبرال و قشار مرفه خرده بورژوازیست. لذا کار ما روشن است که سازمان ما طبقه سازمانی که از منافع طبقه کارگر و از موضع این طبقه از منافع عموم توده های زحمتکش دفاع میکند و خواستار جمهوری دمکراتیک خلق و حکومت شورائی یعنی اعمال حاکمیت بلاواسطه و مستقیم توده ای میباشند نمیتوانند شعرا در مجلس موسسان را مطرح کنند و چنین شعاری مغایر با تمام مواضع و برنامه سازمان ما است.

حکومتی قادر خواهد بود که بلاد رنگ به نا برابری حقوقی زن و مرد یا این بخشند. لذا سازمان ما که رهائی قطعی زنان را از قیدستم و حصول به یک برابری راستین را تنها از طریق سوسیالیسم ممکن میداند، به این بنسند نگرده و در برنامه مطالبات فوری خود خواستار لغو بلاد رنگ هرگونه تبعیض بر پایه جنسیت و بر خورداری زنان از حقوق اجتماعی و سیاسی برابری مردان، لغو فوری بلاد رنگ تمام قوانین ارتجاعی که بیا نگران برابری حقوقی زنانند، لغو هرگونه محدودیت زنان در امور سیاسی و اجتماعی، لغو قوانین ارتجاعی مربوط به خانواده، لغو صیغه و تعدد زوجات، لغو حجاب اجباری و حق طلاق یکجا نه و بلاخره بر خورداری زنان از حقوق و مزایای کامل و برابر با مردان در ازای کار برابر شده است. جز تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برافکندن آن نیست.

قطعی و واقعی زنان و دستیا بی آنها به یک برابری راستین با مردان و رفع هرگونه ستم تنها با احیاء طبقات امکان پذیر است. این درسی است که سوسیالیسم و تمام تجارت با کنونی بشریت می آموزد، با این همه این بدان معنا نیست که زنان زحمتکش دست روی دست میگذارند و بانتظار سوسیالیسم و محوطبقات مینشینند. خیر! کسب پاره ای حقوق در چارچوب همین نظام سرمایه داری هم ممکن است و بدست آوردن این حقوق رسیدن به اهداف اصلی را تسهیل میکند. چنانچه هم اکنون در نتیجه مبارزات زنان زحمتکش، زنان در پاره ای از کشورهای سرمایه داری به پاره ای از حقوق خود دست یافته و همچنان به مبارزات خود ادامه میدهند. در ایران نیز زنان، بیاید مبارزه خود را برای بدست آوردن حقوق خویش تشدید کنند. این مبارزه در ایران مبارزه ایست برای برافکندن رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومتی انقلابی - دمکراتیک رهبری طبقه کارگر چنین

**زننده باد خاطره کمون پاریس ،
نخستین حکومت کارگری جهان**



رفیق گلرخ مهدوی پییده دیگری است رفیق فاطمه افدرنی تا خونم



پرچم سرخ کارگران باشد در انقلاب روشن فردا

رفیق همایون کتیرائی

رفیق بهروز دهقانی



گرامی باد ۸ مارس روز همبستگی زنان زحمتکش

علت رگودنا سبب تفرقه بین و علت شوق فخر و وحدت در آن با چشمه جوی است. فیما بین از رزمی بی چپ کمونیست میزمنیو ان پوپا کرد.

تدوین کینه‌ها در گزارشی سیاسی است. نظرشان هر چند نیست در جای خود محترم است. اما موضوعات آنها در زمینه های یاد شده با واقعیتها در این میان وجود نداشته و عمل کرده است. شواهدی ندارد. منظور ما فقط این نیست که هیچگونه اختلافی با هیچکس در هیچ زمینه ای وجود نداشته است. امروز دیگر مسلم شده است که اختلافات متعددی میان دوسا رمان وجود دارد. در آن روزها و در آغاز راه وحدت، خود را به شکل امروز نشان میدادند و نتوانستند نشان بدهند. ما در ادامه به این اختلافات تا حمله خوا هم برود. اما بحالتا بر دایره به آن ملوک و مومنان مشخص که در آن مقطع روی مسئله وحدت مشخص بود. سازمان تا شیر میگذشت و در آغاز همانها بود که "بن بست" آخر را می آفرید.

حقیقت آنست که از همان ابتدا مطرح شدن مسئله وحدت دوسا رمان، گرایش در درون شوراییان وجود داشته که با این مسئله مخالفت بود. البته حضور گرایش مخالف در دوسا زمان، چه درون شوراییان چه در درون سازمانها، بخودی خود موضوع غیر قابل فهم و غیر نرمالی نبود و ایراد هم بآن نبود. اما آنچه که قابل تامل است، سنگ اندازی آن گرایش در برابر این اتحاد است. در دوره شوراییان گرایش وجود داشته که دقیقاً چنین نقشی بازی کرد. این گرایش اگر چه در آغاز رسماً و علناً با این مساله مخالفت نمیکرد، اما عملات در آنرا شکال تراشی و سنگ اندازی میکرد. در تمام طول فعالیت کمیسیون وحدت از تشکلات انتهایی کار آن حتی بعد از آن نیز این گرایش به همین نحو عمل کرده است. با اینکه در این زمینه سنگ اندازیها

وقفه ها و اشکال تراشی ها بود که سرانجام رهبری دوسا رمان بعد از مدت ها نتوانستند بر نامه ها و نامه ها مشورتی را به صورتی برسانند و اثر آن بر سطح جنبش منتشر سازند. اما دوسا زمان که در ۴ بهمن جدا شده بودند، بدون آنکه به این مساله برخوردی جدی و مشخص و انتقاد داشته باشند، چگونه میتوانستند با هم وحدت کنند؟ از اینجا بود که مساله ۴ بهمن به یکی از نقاط گرهی گما بین تبدیل شد و بیهوده نبود که رهبری دوسا زمان در آخرین اجلاس مشترک خود مورخ ۱۸/۳/۶۹ با توافق آراء تصمیم گرفتند که یک کمیسیونی تشکیل شود بجهت تحقیق

و جمع آوری اطلاعات در مورد ۴ بهمن. پیرا زد تا کنگره وحدت دوسا زمان. میسر در این مورد به قضا و تقصیری نشیند و همانطور که همه کار در جریان نهیستند، از آنجا که این تصمیم با پیشنهاد رفقای هسته اقلیت مبنی بر تشکیل کمیسیون برای تحقیق و بررسی ۴ بهمن همزمان گردید، سه جریان با هم توافق کرده و مشترکاً این کمیسیون را تشکیل دادند. هنوز کار تحقیق بین کمیسیون تسنیم نشده بود و بعد از آن تا زه آغاز شده بود که نمایندگان شوراییان ایرانی در کمیسیون، در آخرین اجلاس آن (اردیبهشت ۷۰) با طرح پیشنهادی مغایر با تصمیمات کمیسیون عملاً دامه کار آنرا متوقف نمودند. آنان که خود در همان اجلاس رهبری دوسا زمان (۱۸/۳/۶۹) با این تشکیل کمیسیون تحقیق موافقت کرده بودند و در جلسه تسنیم به جانبه نمایندگان سازمان ما، رفقای هسته اقلیت و شوراییان در کمیسیون تحقیق جزو تصمیم گیرندگان بودند، اکنون که این کمیسیون تشکیل شده بود و کار خود را آغاز کرده بود، عملاً قرارها و تصمیمات رسمی خویش، اجلاس رهبری دوسا زمان و کمیسیون سه جانبه را نقض میکردند و در عمل نقطه پیرویه ادامه تحقیق را متوقف ساختند. بلکه مسئله وحدت دوسا زمان را که خود به خاطر کار تحقیق و برگزاری کنگره وحدت کمیسیون

شده بود، در ابهام و ابلیس کلیفی فرو بردند. این نقض آشکارا قرارها و تصمیمات خود البته هم سازمانها را طریق نشریه کار و هم رفقای هسته اقلیت به اطلاع جنبش رسانده است. تلاشها و تماسهای بعدی ما با رفا، جهت تدوین کار کمیسیون تحقیق و هم چنین برگزاری نشستهای میان رهبری سازمانها و شوراییان، جهت تعیین تکلیفها در مساله وحدت جنبش را نشانی نرسید. با توجه به ۷۰ برای کمیته مرکزی شوراییان نوشتیم که "عدم حضور در جلسه کمیسیون بمعنی توقف کار تحقیق و بررسی مساله ۴ بهمن و همچنین بمعنی نقض تصمیمات مشترک دور رهبری می باشد و اساساً کلمه مسئله وحدت و کنگره وحدت را که میبایستی در پایان کار کمیسیون تحقیق گشایش میافتد در انجام و بلاک تکلیفی فرورنده است بدینوسیله پیشنهاد میکنیم که هر چه زودتر جلسه مشترک دور رهبری تشکیل شود تا پیرامون مساله فوق به بحث و تبادل نظر

برداخته و با لایحه تکلیفها در مساله وحدت دوسا زمان روشن سازیم. اما تا زمانیکه هیچگونه یا معنی از کمیته مرکزی شوراییان در یافت نکردیم و بلاخره در این مسئله میسر نشد. حدود ۱۹ ماه طول کشید تا پاسخ خویش را در آنگون به صورت "فصلنامه" و "نامه ها" نشست سازمانی تنظیم شده است. در یافتها هم

فصلنامه مصوب نشست اخیر رفا پیرامون "وضعیت و عملکرد کمیته مرکزی" در نظر این مسئله است که اختلافاتی درون رهبری شوراییان وجود داشته است که از جمله همین اختلافات میسر است. "فصلنامه" در تشکلات "و" مرتبه در کارها" و غیره شده است. اختلافات درونی رهبری شوراییان، اعم از "سیاسی - تشکلاتی" و "اختلافات در مورد وحدت حزبی"، "اقلیت سیاسی" و سایر زمینه دیگری که بود. مساله نه در این موارد بود که در هیچ مورد دیگری مباحثه و یا مناظره یا بحثی نشد. جنبش از جانب این جریان انتظار داشته است و ما به عنوان رهبری تصور می کردیم که اینها اشاره کنیم. بدینسان است که امری مربوط به خود رفا بود و هر تشکلاتی برای حل و فصل این مسئله، مثل شورای مصوب و مصوبی ندارد. اما اینست که اختلافات در رهبری هر چه که بود، تا بدان مرحله عمل میسر نگذاشته بود. پیش از آنکه در دوره وحدت را بزرگوار و قه میسر بود که در آنجا و تسنیم شده نیز نضات سختی را در مساله

راست نشسته که آن گرایش که همه جا برای امر وحدت نظر هر توافق میکرد و حتی پای برنامه و اساسنامه مشترک هم میامد و نشست بینه برگزاری کنگره وحدت هم نقضاتی نشان میداد، در عمل این خلاف آنرا میسر بود و هیچگونه تلاشی به بار نرفت. محدود و کار مساله ۴ بهمن نداشت و آنرا موافق مباحث خویش میباید است. در اساس همین گرایش بود که تا یک جمع بندی از مساله ۴ بهمن و در این مورد از آن محدودتر میباید است که جوانب مختلف این موضوع در رهبری و در جنبش در نظر گرفته شود و همه کار را بگیرد. ما میدانیم که سرانجام با اینها را میباید که کمیسیون تحقیق سه جانبه است. آنجا که این تحقیقات صورت گرفته است، جوانب این مساله تا حدودی روشن گشته و بلاخره این موضوع هم مشخص گردید. قاجعه ۴ بهمن "حمله مسلحانه" بود، "تحصن" بود و "انگشتی" در درون شوراییان و "امثال آن"

★ جنبه های سیاسی از اختلافات واقعی

اکنون که پراهن ارائه شده در "گزارش سیاسی کمیته مرکزی شوراییان پیرامون کنگره نشست فیما بین و توقف روند وحدت دوسا زمان مورد بررسی قرار دادیم، بایستی پیرامون به آن اختلافات معینی که میان مواضع سازمانها و مواضع اعلام شده در "گزارش سیاسی کمیته مرکزی شوراییان وجود دارد.

در "گزارش سیاسی کمیته مرکزی" از جمله پیرامون دو موضوع مهم جنبش، یکی مساله اتحاد با یوریسون جمهوری اسلامی و یکی هم اتحاد نیروهای چپا نظرها و اعلام موضع شده و در این زمینه برنامه ها و شیوه ها را که شده است. همانطور که پیشتر بیان کرده کردیم، با این گزارش اگر چه به تصویب نشست عمومی شوراییان نرسیده است و بهیچا است که مواضع مطروحه در آنرا صرفاً با پیش نظر "کمیته مرکزی" تلفیق نمود، با اینهمه از آنجا که اتحاد و ابراز علنی چنین مواضعی، بر عین اساسی و آشکارا عدول از مواضع رسمی شوراییان محسوب میگردد. بنابراین که کمی روی آن مکتب شود.

"گزارش سیاسی کمیته مرکزی" میباید که به تشنه و پراکنندگی و همچنین بر مبنای یوریسون جمهوری اسلامی اشاره میکند، در جستجوی برنامه های بر مبنای آن میتوان گفت که یوریسون را بصورت یک آلترنا تیبو متحد میباید. گزارش سیاسی کمیته مرکزی "بمقتضات" برنامه ممکن "چنین یوریسون را بیز تسنیم میکند و پس از ذکر این جمله که "برنامه یوریسون بینه یوریسون و یوریسون" از همه یک برنامه دیگر است. یعنی برنامه ای بر اساسی است که در نظر رهبری و برقراری همکاری "رئوس اساسی" است. این چنین بر مبنای میباید. ۱- بر مبنای جمهوری اسلامی ۲- حق مردم در تعیین نوع حکومت رهبری ۳- آزادیها و قیود و شرط سیاسی ۴- و

سه تصویر، یک چشم انداز و باید زنده بمانیم!

از یکسختی و غمناکی هرگز زنده نمی شود خانواده اش به فکر خودکشی می افتد و برای آنکه مشخص شود در اعتراض به مقامات شرکت "فق پاک" خودکشی کرده است، تصمیم میگیرد بخونریزه آری لای سا ختمان طبقه پنجم که انجام خدمات ساختمانی آن توسط شرکت "فق پاک" گشته است شعله آتش و محیی مسئول شرکت در حال مدیریت داخلی این ساختمان است به پایش به تاسیه کند.

۳ * اوایل دیماه ۱۳۷۱ یکی از بیمارستان های تهران

تلاش خبرنگار این برای گفتگوی مردی که جسم سوخته اش بر روی تخت بیمارستان قرار داده عمدتاً در حال بهبودی بسر میبرد، بی نتیجه می ماند. بیمار حتی حاضر نیست برای بهبود حال خود هیچ گونه همکاری با پرسنل آن بیمارستان بکند و هر بار که بهوش می آید اسباب غمناک را دراز میکند و می گوید: "حق پاک"

در بیمارستان هیچکس را هم می شناسد و بهر جهت بیمار وقت خودکشی و توضیح ندهد، وزارت بهداشت طی حکمی کتبی مسئولین و پرسنل بیمارستان را از هرگونه پاسخگویی بریاده و وضعیت او منع کرده است.

بیمار کارگر شرکتی است که ۶ ماه پیش تعلق شده است. او طی ۶ ماه گذشته تمام ساعات کار در آنجا را رفته است. کارخانه مسوول بوده است و در اوایل دیماه در محیط کارخانه دست به خودسوزی زده است. بر او اعمال معمول مسئولان شرکت خاور و سازمان گسترش و توسعه میانی است که شرکت خاور تحت پوشش آن قرار دارد، تلاش میکنند خودکشی زانها را از مشکلات شخصی و خانوادگی جلوه دهند. اما مسئله روشنتر آنست که قابل لایوشانی باشد. خودکشی در محیط کارخانه و جلوه چشم سایر کارگران کارخانه مذکور است. قضیه از این زمان تریز است. شرکت خاور بنا بر گفته سخنگوی سازمان گسترش و توسعه میانی "از جهت اقتصادی به این نتیجه رسیده است که توان تامین هزینه های پرسنل را نداشته و مجبور است آنها را اخراج دهد". بنا بر این در تیرماه عمدتاً در کارخانه تعلق میشود و در اختیار کارگزارین قرار میگیرد. این کارگران از بیمه برای کاهش هزینه های پرسنل "بند شما معلومی تعلق شده دستمزدی نمیگیرند و سوییچ را بر اثر س آنگه بیشتر اخراج شوند. تاگزیرند هر روز در ساعات کارخانه با ششده این امر را متراض کارگران و بیمه انگیزد. اما مقامات کارخانه فکرا این جنبه قضیه را هم

گمانال مستطریجه هستند پس از مصاحبه هیچ مدارکی از طرفی کار نمی و یا مراد میانی از ششده نمی شود. کارگران به تکلیف می افتند. بنا بر این در هر روز ششده میباشند که کارخانه را با قافله آتش نشانی اجسادش و یا مراد از داخل کارخانه فلاب بیرون میکشند.

۲ * شنبه ۲۶ دیماه ۱۳۷۱ - ساختمان ۵ طبقه "شهنا" متعلق به شرکت مخیرات

جوان ۱۷ ساله ای خود را از فراز ساختمان ۱۵ طبقه "شهنا" به پایین پرت کرد و لحظاتی پس از آنکه به بیمارستان انتقال یافت، جان سپرد. خودکشی در ساختمان مخیرات انجام گرفته است. مخیرات سرعیا از خودکشی شهنا کسریه سخنگوی این شرکت میگوید: "خودکشی این جوان هیچ ربطی به مخیرات ندارد. در شرکت "فق پاک" طرف قرار داد امور خدماتی ما ختمان مورد تقصیر بوده و متوفی نیز از کارگران آن شرکت بوده است. مقامات شرکت "فق پاک" نیز سعی میکنند وانمود کنند که خودکشی ربطی به آن نداشته است. محیی مسئول این شرکت میگوید: "این نوجوان در حدود سه ماه پیش اقدام به تسویه حساب با شرکت نمود و متعاقب آن کلیه مطالبات خود را وصول و به زادگاهش اردبیل مراجعت نمود. در روز وقوع حادثه متوفی مجدداً از صاحب شرکت درخواست کار میکند و بادرخواست او موافقت نمیشود و نهایتاً حادثه خودکشی اتفاق می افتد. از روی وصیت نامه ای بجای مانده که نشان میدهد علت خودکشی مسائل خانوادگی و عاطفی است."

در تحقیقات بعدی روشن میشود که مسئول شرکت "فق پاک" دروغ میگوید و وصیت نامه ادعایی وی وجود خارجی ندارد و او مراد از این قرار است. این نوجوان برای تامین زندگی خود و خانواده اش در جستجوی کار بوده است. سرانجام ۶ ماه پیش موفق میشود بعنوان کارگر موقت در شرکت خدمات ساختمانی "فق پاک" مشغول بکار شود. قرار است بعد از ۶ ماه رسمی شود. بعد از گذشت ۶ ماه نوجوان مزبور خواهان استخدام رسمی میشود. مدیر شرکت به بهانه های مختلف از استخدام رسمی او سر باز میزند و برای دستمزد کردن او از روی می خواهد سه ماه بعد به شرکت مراجعه کند. جوان سه روز دیگر بازمیگردد. پس از سه ماه به محیی مسئول مراجعه میکند اما شرکت "فق پاک" که تنها حاضر نیست او را رسماً استخدام کند بلکه از راجع هرگونه کاری به وی خودداری میکند. کارگر جوان نا امید

۱ * چهارشنبه ۱۸ آذر ۱۳۷۰ شرکت چسب سازی "وکت" واقع در خیابان فدائیان اسلام

چند روزی است کارخانه تعطیل است و کارکنان فاضلاب تعطیل شده است. کارگران هیچ اقدامی جهت بازگشت کارخانه نمیکنند. گویا چندان هم از این وضعیت اعتراضی نیست. با زار ارکاداست و فروش پایش آمده است. دیگر صرف نمیکنند این تعداد کارگر کار خود. چند روزی که کارخانه به بهانه بسته بودن فاضلاب تعطیل یا شد، تعدادی خودشان ول میکنند و میروند. اگر هم نرفتند بهانه لازم برای خرابی چندان است.

کارگران هر روز صبح امید اینکه فاضلاب باز شده و کار را سر گرفته شود، به کسب کارخانه می آیند اما خبری نیست که آخر وقت تعطیل کارخانه برسد. سرمد و شب خان به بازمیگردند. سرمد برده آنکه کارفرما عمدتاً قصد دارد کاری بکند. دائم در بیمه و اضطراب هستند و با بیگاری و همسایر آب بار که هم قطع شده است وقت جواب صاحب خانه را چه میدهند، چطور به چشمان چه همسایران نگاه کنند، چطور شکم آنها را سیر کنند؟ با هم صحبت میکنند لاله که کارفرما حاضر نیست کاری بکند، خودمان فکری بکنیم بلکه بتوانیم کانال فاضلاب را با زکیم و کار دوباره از سر گرفته شود. روز چهارشنبه حدود ظهر چند تنی از کارگران کانال فاضلاب را بررسی میکنند. یکی از کارگران بخش خدمات کارخانه با وطلب میشود داخل کارخانه کارگران دیگر تا بن بدور کمرش میبندند و او را به داخل کانال میفرستند. پس از چند دقیقه ای احساس میکند که دیگر قادر به تنفس نیست. از همکارانش میخواهد او را بکشد. میان کارگران ولتولسیه می افتد. دیگر چه میتوانیم بکنیم. هرکس پیشنهادی میدهد ولی راه حلی پیدا نمیشود. سرانجام دو تن دیگر از کارگران تصمیم میگیرند با هم بدرون کانال بیروند شاید بتوانند راهی برای باز کردن کانال پیدا کنند. اما کارگران سعی میکنند مانع رفتن آنها بشوند ولی موفق نمیشوند. قانعشان کنند. یا مراد دنیاری کارگر ۲۵ ساله پدر دو کودک و ملی قانعی ۲۸ ساله دارای ۴ فرزند، طناب بدور کمرشان میبندند و آماده رفتن بدرون کانال میشوند. آنها در مقابل اظهارات کارگزاران همکاران نشان میگویند: "هر جور شده باید کارخانه را باز کنیم تا شرکت تعطیل نشود و شب بعدی زوجه هایمان بیچاره نشوند." ناچار کانال میشوند. بقید کارگران در حالیکه اضطراب و نگرانی در چهره هایشان موج میزند بالای

پیش بسوی تشکيل حزب طبقه کارگر

مسئول اینهمه فاجع و کشتار کیست؟

مردم ایران کشته و معلول شدند، سپس زلزله های بیاسی باریدها در این گرفتار گرفت، بیرحان هر روز اعمالی میامدند و تعدادی از مردم مشکلی غیر طبیعی جان میسپارند. بگور و قتلجا فریزی تصادف می کند. و گروهی کشته میشوند. روز دیگر اتوبوس مسافربری جاندها کوبدند و آمیگرند، فجا با نهایی توران فروریزند با زهم تعدادی کشته میشوند.

بهمن فروریزند و مردم را که در حال مسافرت هستند با مرمگ میکشاند. بیسیه کشته شده در یک ماه یعنی در بهمن ماه اما لجه مواد دشرخ داد دو چسده تعداد از مردم کشته و بی خانمان شدند. برخورد یک هواپیما جنگی با هواپیما مسافربری منجر به کشته شدن متعادل و ۱۳۰ تن از مسافرین و خدمه هواپیما گردید. ساید بیش از ۱۰۰ استان کشور راه افتاد، حدود هزاران روحانی کشته شدند، پندها تن کشته شدند، هزاران آواره و بی خانمان کشته و تعداد زیادی دهقان زحمتکش کلی از هستی منقطع شدند. آیا این اتفاقات تا جتنا بنا بقصد میبود نمیتوان جلو اینهمه مصائب بود بختی گرفت؟ سران حکومت که در واقع مسئولین اصلی این فاجع و مصائب هستند میگویند این حوادث را اجتنابنا پذیر جلوه دهند و بزای ایام کربن مردم نا آگاه و آنها را به اراده خدا منتسب سازند. اما اکنون دیگر بغش عظم مردم ایران آگاهند که این دعاها و رزمیم دروغ و عوام فریبی است. آنها میدانند که مسئولین اتفاقات کسی جز رژیم نیست. اگر در این مملکت راها، جاده ها و خیابانهای ایران منطبق بر استانداردهای بیسن - المللی وجود میداشت، این همه تصادف وجود نمیداشت. اگر حساب و کنترل دقیق وجود میداشت، قطارها پی در پی تصادف نمیگردند، اگر خودسری وجود نمیداشت، اگر کنترل برقرار بود، هواپیماهای نظامی بر فراز مرز و گاه دست به ما نورنظامی نمیزدند و کسی کشته نمی شد. اگر سرمایه داران و دست اندر کاران حکومت اینهمه دسترنج کارگران و زحمتکشان اغارت نمی کردند، میثا ردها دلار عایدی نفت را بتا را نمی برستند و یا به خرید تسلیحات اختصاص نمیدادند، مکانیک بیرون کده خانه ها شی برای مردم ساخته نمیشد، زلزله مقاوم ساخته نمیشد، مکانیک بیرون که با ایجاد سیل بندها جلوگیری از تیرا گرفت، تری کردن این مملکت حسا به و کتا بی وجود میداشت، این همه مردم روزمره در نتیجه سیل و زلزله و تصادف و غیره و دلنگ جان نمی باختند. اینهمه مردم در نتیجه فقر و بدبختی ثبا نمی شدند، لذا با بدگفت مسئول اینهمه فاجع و کشتار در ایران، این همه مصائب و بدبختی نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و حکومت پاداران، جمهوری اسلامی است.

مردم و بگور و قتلجا فریزی میکنند. خود بر محیط کار - خانه نیز زندان دارند، سرمایه دارانی که شش سو جان کارگران را می کشند و هنگامه میگردد میزای سینه آنان ندارند. سرمایه داران به ترین شکل ممکن آنها را به خیابان بر تاسید میکنند. و همچنین تعدادی از کارگران است که هیچ مناسبت در آمدی جز فروش نیروی کارش ندارد و چون کارگر است بطور روزمره نیروی کار با این کوه و ماسه را به سرمایه داران بفروشد. بخش این طبقه در تولید، آنرا به یکد نیروی انقلابی تبدیل کرده است. رسالت ما چنین جامعه ای فارغ از کثافات جامعه بورژوازی را بر نوس می کشد و برای ساختن جامعه ای بهتر مبارزه میکند. آری مبارزه میکند! اما امروز برانگنده و نا - مشکل مبارزه میکند و تعدادی از نا آگاهترین کارگران نیز فداان یک مبارزه مشکل به مقابله فردی با سرمایه داران بر می خیزند. اما از آنجا که مبارزه فردی با مملکت نیست، معدودی از افغان از غیر شرط فشارهای اقتصادی و روحانی، خواسته با ناخواسته دستم خونگش میزنند. این نوع مبارزه گرچه مبارزه منفی است و زشیوه های مبارزاتی یک طبقه بالنده که چشم به آینده دارد، فرستگها به دور است و گرچه نشان میدهد که طبقه کارگران ایران هنوز بصورت یک طبقه متحد و مشکل در مقابل سرمایه داران صف آشی نگرده است و هنوز به یک طبقه برای خود تبدیل نشده است. ولی در همین حال نباید فراموش کرد که از بد استخوان رسیده است و فشار به متوسا در جدر رسیده و دیگر قابل تحمل نیست. در چنین شرایطی کارگران بنا گزینیه مبارزه فعال روی می آورند و در کوران مبارزه در میانه بند که راه حل مبارزه جمعی است. کارگران بر مساری "روک" و کارگزاران شرکت خا و روکا کارگران دهها کارخانه دیگر از مرگ واقعی کارگزاران خشم می آیند و در عین حال همه عیسسه میسندند. اهی که همکاران از دست رفتن شان نیاموده اند به بر شان کارگران است و نه با سخگوست آنها در عمل پی میورند که با بد زنده ماند، با بسد برای آینده ما سخن میسازند که دجر که آیند به کارگران تعلیق دارند.

کرده اند. آنها از مدت ها پیش در انبارها و کارخانه ها اطاقی را به نگهداری کارگران معسرین اختصاص داده اند. بنا بر این کارگران تعلیق به این اطاق منتقل میشوند و مدت ۶ ماه در ساها شکار و در این اطاق محبوس میشوند. در اواخر دوماه کارگران تعلیقی که از ۶ ماه فشار و کمبود اقتصادی و روانی و تحقیق و توهین مقامات کارخانه تندی جان آمده به دست از محبس خارج شده به محوطه کارخانه میروند و خواهان تعیین تکلیف خود میباشند. کشته شده مبارکها - یشان میشوند. مسئولین شرکتها متعادل به خواسته آنها نمیکنند و از بیودی و عدم مشکلات اقتصادی سرمایه داری کارخانه دم میزنند. کارگران معسرین شروع به سینه افشاکری کرده و میگویند آقای مدیر کارخانه خطور برای ما پول نداری و شرکتها ما بیست نفره مقابل کارمان به ما حقوق بدهد و بی شد از بودجه کارخانه یک دستگه مینی بوس بگیرند و تمام وقت در اختیار مدرسه ای گذاشته فرستند تا در آن درس میخوانند و به مدرسه ای که فرزند دیگرشان درس میخواند، امکانا بتدبیرگری اختصاص داده - اید. جوکارخانه متشجع میشود. مدیران کارخانه که میسند اعتراضات بالگرتوکنترل و اجاز زحمتکشان خارج شده است، از سایر کارگران معسور و هندی سر کارشان بازگردند و خوننیز تصمیم به ترک محوطه کارخانه میگیرند. در این میان یکی از کارگران تعلیقی تهدید میکند در صورتیکه به سر کارش بازگردانده نشود، خود را آتش میزند. مدیر کارخانه به او میگوید: "بروید هر غلطی میخواد هدید کنید". کارگرفوق خود را در محوطه کارخانه آتش میزند و جسم سوخته اش به بیمارستان منتقل میشود. سه تصویر از وضعیت زندگی کارگران سینه تصویر از کشتار کش دینوری متضاد جامعه طبقه حاکم و طبقه محکوم، سرمایه داران و کارگران، سرمایه داران که وسائل تولید در تملک دارند و زحمتکشان بنا تمام ایزارسروکوب محافظ طبقه اقتصادی این طبقه است. سرمایه دارانی که برای انقیاد کارگران از هیچ زحمتی فروگذار نمیکنند. ارتش نیروهای

یاد رفقا : جعفر (خشایار)، عبدالله، اسدالله، سیمین و نسیرین پنجه شاهی گرامی باد!



جلاد! مرگت باد!

خبری نیست و هیچگونه خشونت‌های هم‌درزندانان اعمال نمیشود. در این گفتگو که روزنامه رسالت به مورخ ۱۳ دیماه ۷۱ نیز آنرا چاپ رسانده، سوده نه فقط کوشش زیادی بکار رفته بود که از جهت سره منفور لاجوردی شخصیت رتوب و ملامتی می‌بویس و ارائه گردد، بلکه همچنین تلاش زیادی صورت گرفته بود که جمهوری اسلامی در مردم و افکار با زندانیان و نحوه اداره زندانها، و رژیم اسلامی و مترقی جلوه داده شود. البته خبری که رسالت هم در این هنردو زمینه از خود ما به فراوانی گذاشته بود. بهتر است ادعاهای لاجوردی را از زبان خود او بشنویم.

خبرنگار رسالت در این جمع به گزارشی که گالیندویل "در مورد برخورد مسوولان شکنجه در زندان‌های ایران بویژه زندان آویس" را لاجوردی سؤال میکند او در پاسخ میگوید "در زندانها ای ما نه تنها ضرب و چوب و چوننداری بلکه با برخورد غیر محترمانه نیز برخورد میکنیم و هیچکس حق ندارد زندانی را به زور در غیر مودبانه داشته باشد. به سبب اینکه شکنجه‌ای در کار باشد. دشمنان ما با این حرفها سعی میکنند چهره نظام اسلامی را کدر و قهیم نشان دهند."

جمله فوق را یکبار دیگر مرور کنید و توجه داشته باشید که این صحبتها از دهان لاجوردی، یعنی س در تخیم بلید و خونریزی که از هر جا نور و جوش و درنده - ای، درنده خوترا است نیز خون می‌آید، آنگاه خود در مورد آن قضاوت کنید. حقیقتاً این ادعاهای وقیحانه و دروغهای بزرگ آنچه را که نمی‌گفتند رسوایی جمهوری اسلامی از ما به افکار رسوا - نیش در همه عالم پیچیده و دیگر هیچ آبرویی برایش باقی نمانده است، آیا هیچ دردی از این مزدوران ورژیم روبه زوالشان درمان میکنند؟ هر کس بیس ادعاها را با بخواند و یا بشنود، چرا نیست که در لحظه اول لبخندی تمسخر آمیز بر گوشه لبهایش بیندیشد؟

لاجوردی جلاد که یکی از خشن‌ترین و دل‌تیرترین و کثیف‌ترین مزدوران است که موم مردم ایران را خصوصاً کسانی که با زندانیهای رژیم سرکارها شده اند و با آنها همین خصوصیات و خصومتهای مشابهی بخوبی میشناسند بوقتی که آنها چنین سخنانی را از زبان وی می‌شنوند، آیا جراتی است که نفرت و انزجارشان تشدید نمیشود؟ آیا جراتی نیست که از خشم مشتها را گره میکنند و دندانهای کینه‌توزان تمام بهم می‌سازند؟ این ادعاها زمانه‌ای عنوان میشود که بارها زندانیان سیاسی رها شده یاخته از زندانهای رژیم بعنوان سبزه‌های زنده و گویا، آثار شکنجه بر بدن خویش را از طریق مسموم شدن و تکریم و تکریم آن در معرض دید همه گان قرار داده اند. بستگان و خانواده‌های زندانیان سیاسی مکرر به محاسن جنایات رژیم در زندانها اعتراض کرده و صدای این

اعتراض را به گوش جهان رسانده اند. سازمان نیای سیاسی که از ما فرج سخنان خود در زندانیان سیاسی و از آنها ستا نمودند، رگبار و خونریزی شکنجه‌ها و دستکوب جسمی و روحی بر زندانیهای محروم رژیم برده بر داشته و ما هیت خشن و بی‌رحم را افشا کرده اند. لاجوردی جلاد زمانی این دروغهای گویلی را بر زبان میراند که حتی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل هم برغم همه ملاحظیات سیاسی، مکرر از فجایع و شکنجه در زندانهای رژیم پرده برداشته است تا آنجا که در چهارمین گزارش سالانه نمایندگانی این کمیسیون، آشکارا عنوان شده است که زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی در مراحل مختلف با زجوشی و حتی پس از آن در معرض شکنجه‌های جسمی و روحی متعدد قرار میگیرند. شلاق زدن، به کفهاها، سوزاندن نقاط مختلف و حساس بدن یا سیگار زدن، محو کردن آتش سیگار بر روی زندانیان، آویزان کردن زندانیان از سقفها، آویزان نگه داشتن زندانیان، ساعدت چندین ساعت به سینه زندانیان و زدن آنها، از جمله شکنجه‌های معمولی است که در مورد زندانیان سیاسی اعمال میشود. کارنامه جمهوری اسلامی در این زمینه آنقدر سیاه و ننگین است که نیازی به تکرار نمونه‌های آن نیست. در دخمه‌های خوفناک رژیم، در خمیان و شکنجه‌گرانی امثال لاجوردی، برای شکستن زندانی و گرفتن قرار، هیچ حسیاتی فرو نگذاشته اند. هیچگونه محدودیتی، مگر مرگ، دستور از موقع زندانی. در اعمال شکنجه‌های جسمی و روحی نداشتند و آنکه بماند، همه ما دستمان در امسال شکنجه از بدو و جگر گرفته تا سر و جگر می‌سوزانند و تمام کس فرس و نظیر آن‌ها ملامت زبده و همه جیبها توجیهات و تاخیرات تا سلامتی هم برای آن داشته‌اند. شکنجه چیست؟ آنها همین چهار رساله‌تیم قبیل، در کمال بدمنشی گروه گروه زندانیان سیاسی قبلا شکنجه شده را کشتار نمودند و خود عنوان کردند که زندانیان را "خانه تکانی" میکنند! در ظرف دو سه روز هزاران نفر از زندانیان سیاسی قتلعام شدند. حالا این بددل بی‌رحم میگوید در زندانها بر خود همسر مودبانه می‌شود و دشمنان میخواهند چهره نظام را کدر و قهیم نشان دهند. چه میگویند خبیث! چه کسی این خزعلات را بناور میکند؟

با اینکه لاجوردی که دست پرورده حکومت خودهاست، وقیح‌تر از آنست که از روی پرده وی در ادامه صحبت‌هایش برای محقق خلوه دادن خود، در اشیا ت صحبت‌ها دعاهایش میگوید "بهترین سبزه‌ها این است که از خود زندانیان پرسیده شود که سبزه زندانیان چگونه است". در جواب این شیطان اولاً باید گفت که این موضوعاً لایق است که از سوی سبزه بین المللی صلیب سرخ عنوان شده است. نمایندگان صلیب سرخ جهانی که از جمهوری اسلامی خواسته

اند که به آنها اجازه داده شود از زندانیان ایران با زدیدبعل آورند، اما سران رژیم و همینطور لاجوردی جلاد که نیکمیدانند در زندانها چه میگذرد همواره با این درخواست مخالفت کرده اند. بعد از آنکه سرانجام رژیم در او خراسان گذشته آنهم تحت شرایط ویژه‌ای توافق نمود هیئت از کمیته بینا - لملی صلیب سرخ از زندانیان ایران دیدن نماید، هنوز دو ماه از این توافق نگذشته بود که تحت بهانه‌های مختلف دفتر این کمیته در ایران تعطیل و نمایندگان آنرا کشور خارج شدند. جمهوری اسلا - می این موضوع را خوب میدانند که در اینگونه باز - دیدها، برغم همه و هرگونه مقدمه چینی و ظاهراً سیاسی، ویا آماده سازی محیط زندانها، زندانیان سیاسی، با وجود آنکه میدانند در شکنجه با زهم بیشتری قرار میگیرند، اما برده از روی فجایع جاری در زندانها - های ایران بهر روی را سینه زایش رسوا و مفتضح میبازند. کما اینکه از خراسان ۶۸ هنگام باز دیدگان است و زندانیان آویس، گروهی از زندانیان سیاسی با نشان دادن آثار شکنجه به وی، مشت‌امثال لاجوردی را با زکرند و از زمانیا تا شکنجه‌های در زندانها پرده برداشته. لاجوردی آدمکش هم این موضوع را خوب میدانند و از همین روست که پس از طرح این موضوع که بهترین شیوه این است که از خود زندانیان پرسیده شود بلافاصله اضافه میکند "البته برخی از زندانیان به فراتر و خلاف خوی‌شان می‌آنها شده است و به آنها تسهولت دروغ میگویند، زیرا او میخواهد هر طور شده شرارت خود را بکاربرد" معنی سستی و رذالتی که در این عبارات نهفته است، بخوبی نشان میدهد که چه کسی دروغ میگوید. ایس آثار شکنجه با قیامته بر روی بدن زندانی سیاسی است که در دروغ میگوید و در نظرتی که خود سر دست شکنجه‌گر روح را از زندانیان است بیپوده نیست که جمهوری اسلامی تمایلی به ادا ما موریت نمایندگانی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نشان نمیدهد، مضافاً آنکه نمایندگان از درخواست کمیته صلیب سرخ جهانی میسر با زدیدا زندانیان ایران نیز سربا زمینند.

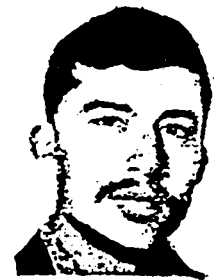
لاجوردی آشکارا دروغ میگوید، از بر خود مودبانه با زندانیان میزند و اعمال شکنجه در زندانهای ایران را کتمان میکند. با دید توجه داشت که فقط شکنجه و آزار زندانیان سیاسی نیست که توسط این مزدوران بنا و میشود، آنان برای آنکه خود را بکمر بستند، اعتراض حادی را در مقابل آنها نکند، میکنند، مگر آنقدری خود زندانیان سیاسی را هیچ سبوس‌ها نشان کرده اند. می‌کنند، سخنان موسسوی سرریزی در استان گل جمهوری اسلامی که میگوید "در حال حاضر ایران هیچگونه زندانی سیاسی ندارد، از منظر گروهی و منافع بلند است. تعداد کمیسیونی زندانی هستند" ویا صحبت‌های فسنجانی در گفتگو

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

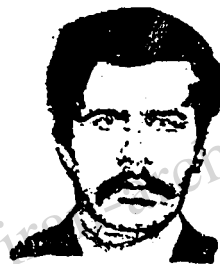
با خبرنگاران ندا خلخالی و خا رجی در بهمن ماه ۷۱ که اظهار میکنند "ما در ایران زندانی سیاسی نداریم و آنها بی را که شما از آن بعنوان زندانی سیاسی یاد میکنید متهم به قاچاق مواد مخدر و تروریسم هستید و متهم امنیتی محسوب میشوند..." همگی از همین حقیقت نشأت میگیرند. اولاً این حضرات عوام - فریبگویا بکلی فراموش کرده اند که پیش از این از زبان همپالگیها نشان مستقیم و غیر مستقیم به وجود هزاران زندانی سیاسی در زندانها اعتراف شده است. مردم ایران خوب میدانند که حکومت اسلامی چه بر سر آنها آورده است و انگهی مرزوقتی که گفته میشود زندانی سیاسی نداریم، مشخصاً یکبار دیگر به کشتارانبوه زندانیان سیاسی اعتراف میشود. دوماً وقتی که نه زندانی سیاسی در کار بوده است و نه از آزار و شکنجه خبری، ممکن است حضرات بفرمایند که در عرض این سالها، هراسان نسبت به باز دیدن نهادهای بین المللی زندانیان ایران سرچسپی بوده است؟

بنا بر این دروغها و متوالی و ژستهای قلبی کسی را گول نزده است و بعد از این نیز نخواهد زد. هزاران مصاحبه و گفتگو و تلاشها دیگری از این دست، نمیتواند جمهوری اسلامی را آرام و با ثبات معرفی کند و نمیتواند بقدر سرسوزنی خشونت را از چهره جمهوری اسلامی پاک کرده و آنرا دیگرگونه جلوه دهد. مردم ایران ما هیت خشن و سرکوبگر حکومت اسلامی را آنهم بعد از ۴۱ سال بقدر کافی و بخوبی شناخته اند. جها نیا نیز علاوه بر مسائلی که در داخل ایران گذشته است و میگذرد، علاوه بر شکنجه و کشتار و قتل عام زندانیان سیاسی، نمونه های فراوان دیگری از اعمال تروریستی جمهوری اسلامی از ترور رهبران پوزیسیون در خارج کشور گرفته تا صدور فرمان قتل سلمان رشدی و تعیین جوا نژنقادی برای قتل وی را شنیده اند و دیده اند. وقتی که وزیر اطلاعات رژیم در شهریور ما گذشته طی مصاحبه ای اعلام نمود ما مورینا اطلاعاتی رژیم افراد وابسته به گروههای اپوزیسیون در خارج کشور را مورد تعقیب و شناسائی قرار میدهند و بلافاصله

رهبران حزب دمکرات در برلین بدست عمال رژیم کشتار میشوند، زمانی که همین مزدور چندی پیش در جمع خبرنگاران مکرراً عنوان نمود که "در راستای رهنمودها مقام معظم رهبری در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی غرب علیه انقلاب اسلامی وزارت اطلاعات نسبت به شناسائی عناصر این توطئه جدید دشمن در سطح بین المللی اقدام خواهد کرد" آنوقت باید گفت که نمونه های زیادی وجود دارد که مردم جهان نمیتوانند در مورد جمهوری اسلامی قضاوت کنند و هم اکنون قضاوت خویش را کرده اند. لاجوردی و امثالوی نیز با بیستی مطمئن باشند که با ایمن دروغها نخواهند توانست بر ای خود مغفرت بجای نمایند. شاه دیکتاتور نیز تا آخرین روزهای حکومتاش کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی را مکرراً تروریست خواند و گفت در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد، اما اگر این دروغها نتوانست تسلط بر تاراتا مین کند و شاه را نجات دهد، به طریق اولی نمیتواند حکومت اسلامی را، رژیم یا ثبات و قوی جلوه دهد و آنرا از مرگ قطعی نجات بخشد.



رفیق فتحعلی پناهیان



رفیق حبیب برادران خسروشاهی



رفیق محمدرضا چمنی

است یک نشریه نه با نام آن بلکه با خط مشی ای که مبلغ و مروج آنست شناخته میشود و جایگهی برای خود پیدا میکند. همانگونه که در واقع دو خط مشی اپورتونیستی و انقلابی در جنبش کارگری میتواند وجود داشته باشد، از هنگام انشعاب بزرگ در سازمان ما، نشریه کار "اکثریت" و "اقلیت" این دو خط مشی را نمایندگی کرده اند، لذا خود بخود ضرورت وجود یک نشریه سوم بنام کارزاند و منتفی میگردد. بهر رو آنچه که به ارگان سازمان مربوط میگردد، این نشریه طی چندین سال گذشته برغم تمام فرازونشیبها بی که سازمان با آن روبرو بوده و شرایطی که جنبش از سر گذرانده مستمرا انتشار یافته است. حتی ضربه بسیار سنگین اسفندماه سال ۶۰ که طی آن بخش اعظم رهبری سازمان و تعداد زیادی از کارکنان را بر جسته سازمان دستگیر شدند و جانیاختند، نتوانست نشریه را با توقیف طولانی مدت روبرو سازد. پس از توقیف سه ماهه بار دیگر منتشر گردید و تنها نشریه انقلابی است که تا سال ۶۴ در تهران منتشر و پخش گردید. اما مهمترین نقطه قوت و آنچه که ما به افتخار و جادانی نشریه کار "اقلیت" تا با مروز میباشد اینست که مدافع استقلال طبقاتی کارگران بوده، در جهت آگاهی و

نشریه کار ۱۵ ساله شد

سازماندهی کارگران تلاش نموده و تحت هر شرایطی پیگیرانه، از منافع، اهداف و آرمانهای طبقه کارگر دفاع نموده است. نشریه کار طی تمام این دوران قاطعانه از مارکسیسم - لنینیسم و حقانیت و ضرورت سوسیالیسم دفاع نموده و مبلغ و مروج دشمنی آشتی ناپذیر با نظام سرمایه داری، استثمار و روستم و همه مرتجعین و استثمارگران سراسر جهان بوده است. نشریه کار در تمام این دوران پیگیرانه با هرگونه ریویزیونیسم و اپورتونیسم در سطح ملی و بین المللی مبارزه کرده و یک لحظه از تلاش برای پرورش کارگران با روحیه دفاع از مارکسیسم، سوسیالیسم و انترناسیونالیسم دست برنداشته است. نشریه کار مبلغ و مروج و مدافع انقلاب اجتماعی کارگری بوده است. از کسب قدرت توسط طبقه کارگر که بیان مشخص آن دیکتاتوری پرولتاریاست، از ضرورت الغاء مالکیت خصوصی و برقراری مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید، از ضرورت تشکیل حزب طبقاتی کارگران، یعنی حزب انقلاب اجتماعی، از ضرورت و

فوریت این انقلاب در عصر کنونی و از ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورائی بعنوان وظیفه فوری و میرم سیاسی پرولتاریای ایران، دفاع نموده است. این است که ارنا ماه نشریه کار ارگان سازمان طی ۱۴ سال که از حیات آن میگذرد. البته نشریه کار بویژه در مقطع کنونی کاستیها بی هم دارد که مربوط به حیطه های دیگر است. بخشی از این نقائص و کمبودها مربوط به وضعیت کنونی جنبش و سازمان است و بخشی دیگر که مربوط به خود نشریه میشود تا حد امکان برای رفع آنها تلاش خواهد شد.

بهر رو، اکنون که نشریه وارد پانزدهمین سال فعالیت خود میشود، اصلی ترین وظیفه ای که کار در برابر خود داشته، همچنان در دستور کار قرار دارند. برغم تعرض بورژوازی در مقیاس جهانی، برغم موج خیانت و ارتداد در سطح ملی و بین المللی، نشریه کار بعنوان ارگان نو سخنگوی سازمان همچنان از منافع، اهداف و آرمانهای شریف و انسانی طبقه کارگر، از حقانیت سوسیالیسم و ضرورت انقلاب اجتماعی برای دگرگونی نظم موجود دفاع خواهد کرد. نشریه کار با تمام توان در جهت آگاهی و سازماندهی کارگران تلاش خواهد نمود.

رفسنجانی خواستار

را سالهاست مسدود کرده و به تئوس خود را بنیاد
 ادامه میدهد؟ سیاست آمریکا اگر تعدیل شود هیچ
 خصوصی وجود نخواهد داشت " ضمنی مضمناً نسبت
 رفسنجانی که ملامتجو است او خواستار تعدیل
 سیاست آمریکا است که این تعدیل مورد تکیه و
 مسئله امثال مسدود شده حل گردد دیگر هیچ خصوصی
 وجود نخواهد داشت و تعین مسئله ایران است که
 هیچگاه یک خصوصیت را نمی توان جمهوری اسلامی
 و آمریکا را مورد تکیه قرار داد با خطاها که پس از
 ما جرایم و گناهان جمهوری اسلامی را بین این دو
 رژیم پانده اند و اصولاً اینها را در نظر نگیری
 برای سرکوب و سرکوبی باقی مانده های مردم ایران
 و فریب آنها سرنگونی متحرک و یک خصوصیت و
 دشمنی و نفسی میان آنها نباید دید چرا که
 جمهوری اسلامی تا سقوط شوروی و بلوک شرق برغم
 با صلاحتی شعارهای ضد آمریکا گستاخش در واقع
 نقش دستار آمریکا را سرکوب کمونیست و
 منحرف نمودن جنبشهای انقلابی منطقه از طریق
 یا با سلامیم آنها می نمود در تمام این دوران نیز
 رابطه سیاسی خود را با آمریکا به شکل غیر رسمی و
 پنهانی حفظ نمود و نیز در جریان جنگ با عراق
 از آمریکا اسلحه خرید و روابط اقتصادی و تجاری
 خود را با آمریکا حفظ نمود و ادامه داد این همه
 در شرایطی صورت میگرفت که رژیم با اصطلاح
 شعارهای ضد آمریکا لیستی سر مردم را شیره می
 مالید و میت حزب را در ایران و منطقه تحمیل
 میکرد چنانچه امروز نیز در گذشت ما لها از قدرت
 رسیدن جمهوری اسلامی رفسنجانی در مصاحبه
 مطبوعاتی خواهش میکند که آمریکا را میگوید
 "در مورد تجاریت هم با سیاست که این امر هیچگاه

قطع شده باقی امر بیشتر با گفتار داشته است
 روابط تجاری به سایرهای دو طرف منتهی دارند
 البته نمیتوان انکار کرد که سبزه پیش از فروپاشی
 شوروی و کم همت شدن نقش ایران و جمهوری اسلامی
 در معادلات مربوط به سیاستهای بین المللی و
 منطقه ای بود و همین تلاشها را جمهوری اسلامی برای
 تقویت مناسباتی با این سازمانها در بر زمینهای
 مورد حمایت آمریکا و این اختلافات تا حدودی تشدید
 گردید معیناً بخشی از یک خصوصیت و نفسی و نفسی
 در میان بوده و نسبت با همین هم رفسنجانی خواستار
 تعدیل این اختلافات تمیز کنار گذاشته شود
 آمریکا سیاست خود را در قبال جمهوری اسلامی
 تعدیل کند بیگانان این تمایل در آمریکا نیز وجود
 دارد چرا که با توجه به وضعیت وخیم اقتصادی
 آمریکا و رقابتی که میان قدرتهای امپریالیست
 وجود دارد، امپریالیسم آمریکا نیز روی باز را
 پیشوانه امپریالیسم دلار و نفت و منابع مظیم
 در اروپا نظیر آلمان و فرانسه ویا کشوری نظیر ژاپن
 یا ترکیه معیناً باید در نظر داشت که قطعیت
 مسئله وایسته به این است که جمهوری اسلامی
 منطبق با منطلقه کنونی اوضاع جهان، گام خود را
 سیاستهای آمریکا در منطقه هماهنگ سازد چیزی
 که در محدوده ای تحقق یافته و در جریان جنگ خلیج
 عملاً از سوی جمهوری اسلامی چنین موضعی اتخاذ
 گردید بهر حال برغم مشکلاتی که هنوز در مناسبات
 طرفین موجود است آنچه که از مصاحبه رفسنجانی
 مستفاد میشود اینست که رژیم جمهوری اسلامی در
 چنان وضعیت وخیمی قرار گرفته که برای حفظ
 موجودیت خود دست بردارن آمریکا شده و راه بیرون
 رفت از دشواریها را موجود در اولویت حساب میکند
 امپریالیسم آمریکا میدانند

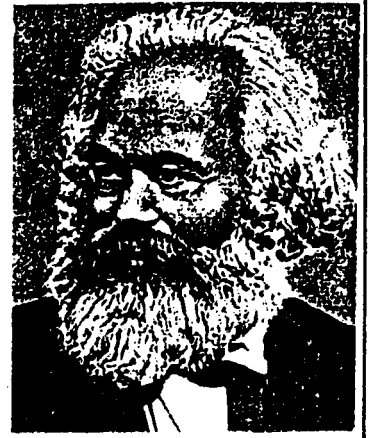
هستند بلکه ویدهای آنها برای اصلاحات در چار
 چوت این نظم نیستند هر چیزی که مشت تبلیغات
 انتخابی است نبود و چیزی ها به مردم نشده است
 علت این مسئله هم کار و شراست حزب دمکرات
 آمریکا که خرس میان نظم حکم بر این کشور و نه
 حتی بر تقابل اشکار با حزب جمهوریخواه بلکه
 حزبهاست بر نظم موجود است این نظم انظمی
 سر ما بداری نظمن امپریالیست و نظم قدرت
 انحصاری است آمریکا کشور نیست که در آن قدرت
 بلافاصله بر تمام دنیا است امپریالیست آمریکا در چند
 تا این مافوق اینجا مافوق قدرت خود را تمام زندگی
 اقتصادی جامعه را تحت سلطه خود دارند و
 فرما شروانی و اقلیت است آنچه تمسک سیاسی و
 در دست طبعه که در قضاوتی و مظهر خاصش
 انحصارات و الیکارشی و اقلیت است دو حزب سیاسی
 قدرتی یعنی حزب دمکرات و جمهوریخواه هر دو
 احزابی هستند که مناقش این انحصارات را نمایند
 گی میکنند که چیزی بود را بیشتر به حقایق
 از احزابی است نظیر کمونیست و دیگری
 هر یک که در جزئیات مربوط به شور و خور دیده
 سایر منطقتی که کما این منطقتی داشته باشند
 در اینها هم این احزابی هم دیده انحصارات آمریکا
 نشین هستند و از منافع آنها را ستاداری و حمایت
 میکنند با این وصف روشن است که در گذشته ادعا و
 وعده و وعیدی از جانب این دو حزب منع بوده های
 مردم ادعای سرتاپا کذب و مفرقا تک عوام فریبی
 است در اصطلاح دمکراتی آمریکا یعنی صرفاً این حق
 به مردم آمریکا داده شده است که هر چهار سال یک
 بار در انتخابات شرکت کنند و بدست خود انتخاب
 کنند که کدام جناح از طبقه حاکمه آمریکا، کدام یک
 از نمایندگان انحصار را مافوق حزب دمکرات و
 جمهوریخواه برای سیستم و فریب آنها زمام امور را
 بدست بگیرند کلیتاً در نخستین نطق زمامداری
 خود نسبتاً از دمکراتی سخن گفت از دمکراسی
 آمریکا سخن عرفی و خفیه کرد و آنرا قدیمی ترین
 دمکراسی جهان نامید اما در واقع آمریکا ای امروز
 در برابر این دسته از کشور های سرمایه دار نیست که
 دمکراسی بورژوازی در آنجا بهتر از هر جای دیگر خصلت
 کاملاً شور و ولایی خود را نشان میدهد اگر حداقل در
 کشورهای غربی داری اروپائی میتوان سیراغ
 احزابی را که در شک لاقلموسیا ل رفمیتانند
 و حتی احزاب کمونیست نیز میتوانند در انتخابات
 نقش پیدا کنند در آمریکا، انتخابی برای مردم جز
 انتخاب میان گامیها های دو حزب انحصارات
 آمریکا و جمهوریخواه است و دو حزب انحصارات آمریکائی
 کلاسیک های خود را معرفی میکنند و مردم میخواهند
 نام دیگر این هر کدام که خواستار انتخاب کنند
 البته مسئله همسما نیز نمی شود انحصارات
 آمریکائی که مالک مومنا علیاً و مضمی و تمام
 و با تکلان اینها را مکار هم هستند و در این یک
 که به آنها با شعار نظم کنونی که ما هم بر آمریکا

توهم پراکنی بین المللی و ماهیت سیاستهای کلینتون

دربی انتخابی است جمهوری آمریکا و
 پیروزی کلینتون از حثت بیکمالات بر قب جمهوری
 - خواه خود، بوش رسد این مقام را به کلینتون
 وا گذار نمود و در جایگاه رئیس جمهور آمریکا
 قرار گرفت زمامداری مجددمکراتها وعده های
 که کلینتون در تبلیغات انتخاباتی خود به مردم
 آمریکا و بعضاً جهان داده و بهر امان از هر تبلیغات
 رسانه های گروهی بین المللی به این توهم در سطح
 وسیع دامن زده است که گویند بدست بدست شدن
 قدرت اجرا بر این دو حزب طبقه حاکم آمریکا
 تحولات جزیی در جبهه آمریکا، در سیاستهای بین
 المللی این کشور و نقش این کشور در قبالی مسئله
 دمکراسی و جنبشهای پر نوشت برای خلق و پدید
 های تحت سلطه وجود خواهد آورد بخشی از این
 بیرون بورژوازی ایران و مظلومانها همین خلق

با ابراهام لینکلن و ویداریا کلینتون و تبلیغات خود
 خوش و این سهم خویش به این توهم پراکنی دامن
 زده است، لذا برغم اینکه ماهیت مسئله برای همسر
 فردا ندک آگاه به سیاست بطور کلی و امپریالیسم و
 سیاستهای داخلی و بین المللی قدرتهای امپریا
 لیستی روشن است، معیناً از آنجا که ایمن
 تبلیغات توهم پراکنیها میتواند بر مردم نا آگاه
 تاثیر بگذارد، باید این مسئله بدست دست
 قدرتی بر این طبقه حاکم آمریکا و سیاستهای جناح
 حزب دمکرات و جمهوریخواه قرار گیرد
 این نخستین بار نیست که تمک آنها بورژوازی
 قدرت اجرا را بر آمریکا قرار میگیرند و اولین بار نیست
 که جزو ارا وعده و وعیدی بر مردم آمریکا و جهان میدهند
 آنها بدفعاتی قدرتی رسیده و مکرر نشان داده اند
 که به آنها با شعار نظم کنونی که ما هم بر آمریکا

توهم پراکنی بین المللی و ماهیت سیاستهای کلینتون
 در تبلیغات انتخاباتی خود به مردم
 آمریکا و بعضاً جهان داده و بهر امان از هر تبلیغات
 رسانه های گروهی بین المللی به این توهم در سطح
 وسیع دامن زده است که گویند بدست بدست شدن
 قدرت اجرا بر این دو حزب طبقه حاکم آمریکا
 تحولات جزیی در جبهه آمریکا، در سیاستهای بین
 المللی این کشور و نقش این کشور در قبالی مسئله
 دمکراسی و جنبشهای پر نوشت برای خلق و پدید
 های تحت سلطه وجود خواهد آورد بخشی از این
 بیرون بورژوازی ایران و مظلومانها همین خلق



★ در یکصد و هفتمین سالگرد درگذشت مارکس،
مارکس و اندیشه های
مارکس زنده است
و زنده خواهد ماند.

پاسخ به
سؤالات

یکی از رفقا ضمن طرح چندسئوال خواستار پاسخ به آنها در ستون پاسخ به سئوال نشریه کار شده است. نظریا اینکه هر یک از سئوال مطرح شده توضیح مفصلی را میطلبد که در این ستون امکان آن نیست، لذا مختصر و فشرده به این سئوال پاسخ میگوئیم و امیدواریم که این پاسخ مختصر جوابگو باشد. این سئوال با بقرار زیر اند:

۱- نظریا اینکه عصر کنونی عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتریست چرا سازمان نیس از کنفرانس چهارم و حذف رسرکردگی امپریالیسم آمریکا، بجای آن شعارنا بود با امپریالیسم جهانی و پیگاه داخلی آن را قرار نداد؟ در عین حال رفیق مطرح کرده است که این شعار با بدتای این عصر کنونی یعنی ان یک شعار محوری در نشریه درج گردد.

۲- با توجه به عصر کنونی و تضادهای بین عصر و همچنین ساختن جامعه ایران، جایگاه تضاد داخلی و امپریالیسم و مرحله انقلاب ایران توضیح داده شود.
۳- نظرسا زمان در رابطه با بولتن میا حثات شماره ۳ در مورد مجلس موسسان چیست و آیا طرح شعار مجلس موسسان در مرحله انقلاب دمکراتیک خلق (حکومت شورائی) مجاز می باشد؟

از پاسخ به سئوال اول آقا: زمیکنیم. این مسئله بر هر کس که با مواضع سازمان آشنا شده باشد روشن است که مبنای تحلیل سازمان ما از مواضع عمومی جهان بر تحلیل لنین از مرحله تکامل سرمایه داری استوار است و بر این اساس ما معتقدیم که سرمایه داری حدودا از اوایل قرن بیستم به امپریالیسم که بالاترین و آخرین مرحله در تکامل سرمایه داری است گام نهاده و تضادهای نظام سرمایه داری به چنان مرحله ای از شدت خود رسیده اند که نشان میدهند تمام شرایط عینی لازم برای برپائی انقلاب جهانی پرولتاریائی در مقیاس بین المللی فراهم شده است. لذا شعارنا بود با امپریالیسم، زنده با انقلاب اجتماعی پرولتاریائی یکی از صلیبترین شعارهای سازمان ما بوده و تا پیروزی قطعی انقلاب اجتماعی در مقیاس بین المللی باقی خواهد ماند. سوائی این مسئله که از اعتقادات کمونیستی و کارگری سازمان ما ناشی میگردد، ما در ایران از زاویه دیگری نیز که جنبه مشخص تر مسئله است با مسئله امپریالیسم زور و هستیم و آن مسئله وابستگی ایران به عنوان یک کشور سرمایه داری به امپریالیسم و استثمار و غارت و استثمار امپریالیستی است که مسائل مشخص و

یادداشت های سیاسی

☆ رفسنجانی خواستار تعدیل سیاست آمریکاست

نتوانند معضلاتی برای او و احیاناً رژیم پدید آورند، معهدا پیشنها دات و بقدر کافی مریح و روشن شود. رفسنجانی ابتدا در پاسخ به سئوال خبرنگار روزنامه واشنگتن پست که از وی پرسید چرا جمهوری اسلامی مذاکرات مستقیم با آمریکا را آغاز نمیکنند گفت "در مورد هر مذاکره ای با یحسین نیتی وجود داشته باشد. آمریکا هیچ توضیحی نداد که چرا اموال ما را از ۱۵ سال پیش مسدود کرده. آنها هیچ علامتی از حسن نیت نشان ندادند. آمریکا با بدتای حسن نیت خود را اثبات کند تا بتوان تصمیم اتخاذ کرد" معنای این گفته های رفسنجانی به زبان عامه فیه م اینست که از جانب جمهوری اسلامی برای آغاز مذاکرات مستقیم با آمریکا نه تنها مشکلی موجود نیست بلکه از آن استقبال هم میکنند و این آمریکا است که با بدعلامتی از حسن نیت از خود نشان دهد. رفسنجانی در همین مصاحبه به زبانی صریح تر در خواستهاي خود از آمریکا مطرح میکنند و در پاسخ سئوال یکی دیگر از خبرنگاران خارجی که میپرسد جمهوری اسلامی بطور مشخص تر چه چیزی از آمریکا میخواهد میگوید: من پاسخ این سئوال را قبلا هم داده ام و مجددا تکرار میکنم "چرا آمریکا اموال ما

در حالیکه اوضاع داخلی رژیم روز بروز وخیم تر میشود و همزمان تشدید و خاستا اقتصاد دی بردا من ناراضی توده ها افزوده می- گردد و اشکال لعلنی مبارزه توده ها موجود نیست حکومت را تهدید میکند و در حال اوضاع عین - المللی نیز مجموعا بتفیع جمهوری اسلامی نیست، سران رژیم در تلاشند با جلب حمایت قدرتهای امپریالیست خود را از مخممه موجود برهانند و موقعیت خود را مستحکم سازند. در راستای تحقق این هدف بود که چند روزی پس از به قدرت رسیدن مجدد دمکراتها در آمریکا، رفسنجانی خبرنگاران داخلی و خارجی را به یک مصاحبه مطبوعاتی فراخواند. در ظاهرا مر این مصاحبه مطبوعاتی بمنظور توضیح مسائل مختلف مربوط به سیاستهای داخلی و خارجی رژیم سازمان داده شده بود، اما در واقع هدف از این مصاحبه مطبوعاتی، در خواست رژیم جمهوری اسلامی از رئیس جمهور تازه آمریکا برای برقراری مناسبات سیاسی و نشان دادن حسن نیت و لحن آشتی جویانه سران رژیم به مقامات آمریکائی بود البته رفسنجانی تلاش نمود که این پیام سران رژیم را برای رئیس جمهور آمریکا بزبان دیپلماتیک بیان کند تا احیاناً رقبای وی در هیئت حاکمه

۱۸

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به آدرس سازمان ارسال نمایند.
A. MOHAMMADI
490215483
Amro Bank
Amsterdam-HOLLAND

برای تماس با سازمان جریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)
نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه ها بتان را به آدرس زیر بفرستند.
Postfach 5312
3000 Hannover 1
Germany

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق